

تأثیر ابن‌قولویه بر انتقال حدیث قم به بغداد (با تکیه بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی)

اعظم فرجامی^۱، انسبه عسگری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳۰)

چکیده

ابن‌قولویه از محدثان قمی در سده چهارم بوده که سال‌های پایانی عمر خود را در بغداد سپری کرده است و محدثان و عالمان بزرگی همچون غضائری و شیخ مفید از او بهره برده‌اند؛ اما اکنون از آثار و آراء وی نشان کمی در دست است. میزان تأثیرگذاری ابن‌قولویه بر حدیث بغداد را می‌توان در دو کتاب رجالی فهرست‌نگاری شیعه، *الرجال نجاشی* و *الفهرست طوسی* نشان داد. پنجاه و دو راوی صاحب کتاب در این دو منبع، به واسطه ابن‌قولویه معرفی و طریق داده شده‌اند که چهل راوی را تنها ابن‌قولویه در *الرجال نجاشی* نقل کرده است. برخی از آنها مانند احادیث سعد بن عبدالله اشعری، *الرجال کشی* و کتاب‌های فقهی ابن‌ابی‌عقیل مهم‌ترین متون منتقل شده توسط ابن‌قولویه به منابع حدیثی بغداد در سده چهارم بوده است. به‌رغم بهره فراوان نجاشی، شیخ طوسی از طرق و اسناد ابن‌قولویه یاد نکرده و حتی در موارد مشابه، طرق ضعیفی مانند طرق ابن‌بُطّه را جایگزین وی کرده است. توجه به سفرهای ابن‌قولویه نشان می‌دهد، او بیش از همه، کتاب‌های محدثان قم و ری، و سپس دیگر حوزه‌های حدیثی ایران مانند خراسان و سمرقند را به بغداد آورده است. همچنین، سفر ابن‌قولویه به مصر و دیگر شهرهای عراق، سبب بازگرداندن اسناد و دفاتر کهن محدثان کوفی به بغداد شده است. آراء خاص و مشخص ابن‌قولویه در پس آراء شاگردان بزرگ و نسل‌های بعدی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، حل و محو شده است؛ اما تأثیر او در انتقال حدیث قم به بغداد قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.

کلید واژه‌ها: ابن‌قولویه، تاریخ حدیث، الرجال نجاشی، حوزه‌های حدیثی، محدثان قمی.

1. Email: a.farjami@razi.ac.ir

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)؛

2. Email: e.asgari@hmu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)؛

۱. طرح مسئله

ابن قولویه نام یکی از محدثان سده چهارم است که همگان وی را به سبب کتابش، کامل الزیارات می‌شناسند. با این همه باید گفت: وی عالمی ناشناخته باقی مانده است؛ زیرا مقام و احترامی که بزرگان حدیث سده چهارم و پنجم برای عظمت علمی وی قائل بودند، تنها در کتب رجال و شرح حال نویسی بازتاب داشته است و اکنون از آن یادکرد، نشانی در مجامع علمی دیده نمی‌شود. مهمتر از پنهان ماندن بزرگی دانش ابن قولویه، بی‌توجهی به میزان تأثیرگذاری این دانشمند در انتقال اسناد کهن احادیث متعلق به سده دوم و سوم کوفه و قم، به محدثان و نیز رجالیان سده‌های چهارم و پنجم بغداد است. از این‌رو، در پژوهش حاضر، نقش ابن قولویه در این دست به دست شدن احادیث و کتب حدیثی کهن، به محدثان و همچنین فهرست‌نویسان شیعی، با تکیه بر کتاب‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی، بررسی می‌شود.

درباره این موضوع، با دو دسته پیشینه پژوهشی روبرو هستیم؛ برخی به ابن قولویه و برخی به مکاتب حدیثی قم و بغداد پرداخته‌اند. معمولاً به شخصیت‌شناسی ابن قولویه پرداخته نشده؛ اما درباره آثار علمی وی که کامل الزیارات تنها کتاب باقی مانده از آن‌هاست، پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله مژگان سرشار در مقاله‌ای بر اساس فرضیات محمدباقر بهبودی و دلایل دیگر، انتساب کامل الزیارات فعلی به ابن قولویه را مورد تشکیک قرار می‌دهد.^۱ برخاسته از تقریرات رجالی سید موسی شبیری زنجانی نیز مقاله‌ای در نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف برای توثیقات عام کامل الزیارات ابن قولویه منتشر شده است.^۲ امین حسین‌پوری در مقاله‌ای سفرها و برخی اساتید ابن قولویه را بررسی و معرفی کرده است.^۳ از سوی دیگر، کتاب‌ها و آثار نسبتاً قابل توجهی، مکتب و حوزه‌های حدیثی قم، ری و بغداد را مقایسه کرده‌اند؛ برای نمونه، جباری مختصات مکتب حدیثی قم را بررسی کرده است.^۴ در پژوهشی عام‌تر، روش انتقال حدیث شیعه از

۱. سرشار، مژگان؛ (۱۳۹۵). «زیادات کامل الزیارات و مسئله انتساب اثر به ابن قولویه». مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، بهار و تابستان، شماره ۵۹.

۲. شبیری، سید موسی؛ (۱۳۹۷). «کامل الزیارات و شهادت ابن قولویه به وثاقت راویان». پژوهش‌های رجالی، بهار، شماره ۱.

۳. حسین‌پوری، امین؛ (۱۳۹۸). «سفرهای علمی ابن قولویه و ارتباط آن با منابع کامل الزیارات». مطالعات اعتبارسنجی حدیث، بهار و تابستان، شماره ۱.

۴. جباری، محمدرضا؛ (۱۳۷۹). «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری». مطالعات اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۴۹ و ۵۰.

کوفه به شهرهای ایران مانند قم و اصفهان، و از قم به بغداد، بر اساس محدثان برجسته هر شهر، واکاوی و به صورت اجمالی معرفی می‌شود.^۱

در این پژوهش، ابتدا کتاب‌ها و آثار ابن قولویه و تأثیری که بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی داشته، بررسی می‌شود. پس از آن، سفرهای ابن قولویه مدنظر قرار می‌گیرند، تا جغرافیای انتقال حدیث توسط وی به منابع حدیثی شیعه مشخص شود.

۲. شرح حال و خاندان ابن قولویه

تاریخ دقیق تولد «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه» مشخص نیست؛ اما می‌توان گفت: ابن قولویه زاده نیمه دوم سده سوم هجری در شهر قم است؛ زیرا سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ ق)، بزرگ محدثان قم را درک کرده و چندین حدیث از او شنیده است. رجالیان، ابن قولویه را با توثیق مؤکد ستوده و از بزرگان حدیث و فقه دانسته‌اند: «من ثقات أصحابنا و أجلائهم فی الحدیث و الفقه» [۱۳، ص ۹۱؛ ۲۱، ص ۱۲۳]. نجاشی جایگاه ابن قولویه را بالاتر از توصیفات عادی مردم می‌داند: «کل ما یوصف به الناس من جمیل^۲ و ثقه و فقه فهو فوقه» [۲۱، ص ۱۲۳]. به نظر می‌رسد با آنکه نجاشی، خود ابن قولویه را درک نکرده، به سبب وصف استادش «شیخ مفید»، از بارزترین و مشهورترین شاگردان ابن قولویه، و نیز «غضائری» دیگر شاگرد ابن قولویه، به خوبی با کتاب‌ها و طرق و اسناد ابن قولویه آشنا بوده است [۲۱، ص ۴۴۷].

پدر ابن قولویه، محمد بن قولویه، از خیار اصحاب سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ ق) و ملقب به مسلمه [۲۱، ص ۱۲۳] یا جمال [۱۲، ص ۴۳۹]، از راویان اصلی اسناد و کتاب‌های سعد است [۲۱، ص ۱۷۸]. برادرش، ابوالحسین علی بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور، نیز شاگرد و راوی سعد بن عبدالله و بزرگتر از ابن قولویه بوده که در آغاز جوانی در گذشته است [۲۱، ص ۲۶۲]. همچنین، اسناد کتاب‌های سده پنجم، یکی از نوادگان خواهر ابن قولویه، با نام ابن شاذان قمی، را به ما می‌شناساند. به نظر می‌رسد، ابن شاذان شخصیت مطرح و مشهوری در زمینه علم حدیث بوده است؛ زیرا طبق یک سند تاریخی، مجلس املائی حدیث خود را در مکه و مسجد الحرام به پا داشته و ابوالفتح

۱. شهیدی، روح الله؛ مهدوی‌راد، محمدعلی؛ (۱۳۸۶). «سیر انتقال میراث مکتوب شیعه در آینه فهرست‌ها». علوم حدیث، شماره ۴۴.

۲. به نظر می‌رسد خوش‌سیمایی و آراستگی ظاهر ابن قولویه در خانواده او موروثی بوده است؛ زیرا هنگام معرفی پدرش محمد قولویه، او را نیز «جمال» وصف کرده‌اند [۱۲، ص ۴۳۹].

کراچکی (۴۴۹ق) از جمله کسانی است که در این مجلس حاضر بوده و از وی سماع داشته است [۱۸، ص ۱۸۵، ۲۲۰]. در کتابی که از ابن‌شاذان باقی مانده، وی چندین بار تصریح می‌کند که برخی اسناد و احادیث خود را از ابن‌قولویه شنیده است [۱، ص ۳۲، ۴۶، ۱۶۰]. این شرح‌حال‌ها در مجموع، نشان می‌دهد، خانواده ابن‌قولویه، قبل و پس از او، اهل حدیث و نقل روایت بودند.

۳. تأثیر ابن‌قولویه بر کتاب‌های رجالی

رجالیان از جمله نجاشی و شیخ طوسی، در مجموع، بیست و شش کتاب ابن‌قولویه را نام برده‌اند [۲، ص ۶۶؛ ۱۳، ص ۹۲؛ ۲۱، ص ۱۲۴]. آنان آمار دقیق کتاب‌های ابن‌قولویه را نمی‌گویند و تنها به صورت کلی، متفقند که او کتاب‌های بسیاری دارد؛ شیخ طوسی شمار آن‌ها را به تعداد ابواب فقهی می‌داند [۱۳، ص ۹۲] و نجاشی آن‌ها را «کتب حسان» معرفی می‌کند که بیشترشان را بر شیخ مفید و غضائری قرائت کرده است [۲۱، ص ۱۲۴]. در میان کتبی که شیخ طوسی از آن‌ها نام برده، عنوان «فهرست کتاب‌ها و اصل‌هایی که ابن‌قولویه آن‌ها را روایت کرده است» قابل توجه است [۱۱، ص ۹۲] که نشان می‌دهد ابن‌قولویه در علم رجال صاحب تألیف بوده است. قرائنی نشان می‌دهد، نجاشی این کتاب رجالی را به واسطه دو استادش شیخ مفید و غضائری، در اختیار داشته و بر اساس آن، فهرست خود از راویان صاحب کتاب را در بخش‌هایی تنظیم کرده است. یکی از مهمترین قرائن، آن است که نجاشی بیش از ۵۰ کتاب را با سنددهی و طریق ابن‌قولویه به صاحب کتاب می‌رساند که رقم قابل توجهی در الرجال نجاشی است. از میان این تعداد، دقیقاً ۴۰ کتاب، منحصرأ با طریق ابن‌قولویه به نجاشی رسیده و هیچ استاد حدیث و اجازه دیگری آن‌ها را برای نجاشی نقل نکرده است.

۳.۱. نجاشی و ابن‌قولویه

چندین دلیل نشان می‌دهد، نجاشی به ابن‌قولویه و کتاب الفهرست او علاقه و توجه داشته است: الف. برگزیدن طرق ابن‌قولویه بر طرق محدثان دیگر: برای نمونه، مقایسه طرق «عباس بن عامر قصبانی» (یکی از این چهل نفر) در الرجال نجاشی و الفهرست طوسی روشن می‌کند که به واسطه شیخ مفید، دو طریق قمی برای عباس بن عامر موجود بوده است. یکی را مفید از صدوق و پدرش نقل می‌کند [۱۳، ص ۱۸۹] و دیگری را از ابن‌قولویه؛ از این میان، نجاشی فقط به طریق مفید از ابن‌قولویه ارجاع می‌دهد [۲۱، ص ۲۸۱]. از آنجا که طریق دومی که شیخ طوسی از آن استفاده کرده و نجاشی رها

کرده، به صدوق و پدرش باز می‌گردد، می‌توان گفت ابن قولویه و اسناد وی، از نگاه نجاشی بر محدثان بزرگی چون صدوق رجحان داشته است.

ب. توجه خاص نجاشی به برادر ابن قولویه: ابن قولویه به کتاب برادرش که به تصریح نجاشی در جوانی و سن کم درگذشته، ارجاع می‌دهد و کتابش را ذکر می‌کند؛ در حالی که به سبب عمر کوتاه این برادر، کسی چندان از وی سماع نداشته است [۲۱، ص ۲۶۲]. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: شخصیت حدیثی قابل توجهی در تاریخ حدیث شیعه نبوده است؛ شیخ طوسی نیز از این برادر و کتابش یاد نمی‌کند. اما نجاشی که *الفهرست* ابن قولویه را در اختیار داشته و از آن متأثر بوده، از کتاب و برادر و پدر ابن قولویه، به سبب و احترام و علاقه ابن قولویه به برادر و خانواده‌اش یاد می‌کند.

ج. استفاده نجاشی از طریق ابن قولویه برای *الرجال* کشی: نجاشی، نسخه‌ای از *الرجال* کشی را در دست داشته است؛ اما برای نقل طریق دسترسی خود به این کتاب و نیز برخی آراء رجالی کشی، ابن قولویه را مرجع قرار داده است. درباره این موضوع با تفصیل بیشتری سخن گفته می‌شود.

۳.۱.۱. آراء رجالی ابن قولویه

نجاشی، ضمن شرح حال برخی راویان و اطلاعات زندگی‌نامه‌ای، شش مرتبه از آراء و منقولات رجالی ابن قولویه استفاده می‌کند. وی سه بار از کشی این آراء رجالی را نقل می‌کند: درباره طعن بر بطائنی [۲۱، ص ۳۶]، توثیق ایوب بن نوح [۲۱، ص ۱۰۲] و مدح یونس بن عبدالرحمن [۲۱، ص ۴۴۷]. در سه دیدگاه رجالی دیگر از برقی [۲۱، ص ۲۴۷]، پدر شیخ صدوق [۲۱، ص ۴۴۷] و دیده‌های خودش [۲۱، ص ۳۴۴] یاری گرفته است. از این رو می‌توان این فرضیه را قوی دانست که ابن قولویه آراء رجالی خود را بیش از همه، از کشی فراگرفته و آموخته است. مؤید این نظر، دقت در شرح حال ایوب بن نوح است که نجاشی با سند ابن قولویه از کشی می‌آورد: «کان ایوب من عباد الله الصالحین» و بلافاصله نجاشی همین مفهوم را تکرار می‌کند: «قال أبو عمرو الکشی: کان من الصالحین» [۲۱، ص ۱۰۲]. عبارت دوم نجاشی نشان می‌دهد که او خود رجال کشی را پیش‌رو داشته و آراء رجالی نقل شده از کشی را با نسخه موجودش تطبیق می‌داده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نجاشی از دو طریق به کتاب کشی دسترسی داشته است و چون آن را دارای اغلاط کثیره ارزیابی کرده [۲۱، ص ۳۷۲]، گاهی به نقل آراء رجالی دیگران از وی مراجعه کرده است. معمولاً آراء رجالی ابن قولویه از کشی را، ابن نوح به صورت وصیت به دست نجاشی رسانده است [۲۱، ص ۱۰۲]. وقتی نجاشی تنها از طریق

ابن قولویه سند خود را به *الرجال* کشی می‌رساند [۲۱، ص ۳۷۲]، نشان می‌دهد ابن قولویه به نوعی انتقال‌دهنده میراث رجال و حدیث ماوراءالنهر به بغداد نیز هست. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: نجاشی افزون بر فهرست کتاب‌هایی که ابن قولویه روایت کرده، به کتابی حاوی آراء رجالی وی نیز دسترسی داشته است. قرینه و شاهد این دیدگاه، وجود نوشته‌های رجالی ابن قولویه است؛ از جمله درباره یکی از راویان قمی، از ابن قولویه نقل می‌شود که وی را خویشاوند صفار و سعد بن عبدالله اشعری معرفی کرده است [۱۲، ص ۳۹۹]. از سوی دیگر چون این نکات و نظریات رجالی اندک است و به ندرت نقل‌قول‌های رجالی از ابن قولویه در کتاب‌های دیگر دیده می‌شود، احتمال دارد نظریات رجالی وی، در لابلای متون کتاب *الفهرست* اش، ضمن ذکر طریق هر راوی، مذکور بوده است. مشابه این رخداد در کتاب‌های *الرجال* نجاشی و *الفهرست* شیخ طوسی قابل مشاهده است؛ زیرا در حقیقت این دو کتاب، فهرست راویان و طرق دسترسی به کتاب‌های آنهاست که گاهی اطلاعات رجالی دارند.

۳.۱.۲. *الفهرست ابن قولویه*

مطالعه *الرجال* نجاشی نشان می‌دهد، وی چندین فهرست برای راویان صاحب کتاب و طریق‌های متعدد برای آنها داشته است [نک: ۲۱، ص ۱۵، ۴۹، ۲۴۴، ۳۰۴]. برای نمونه، وی پس از آنکه چهار صفحه کتاب‌های عبدالعزیز جلودی را نام می‌برد، بیان می‌کند که این اسامی را در چندین کتاب *الفهرست* دیده است: «هذه جملة كتب أبي أحمد الجلودي التي رأيتها في الفهرستات» [۲۱، ص ۲۴۴]. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در مواردی که طرق نجاشی به صاحبان کتب، منحصر در طریق ابن قولویه است (یعنی ۴۰ مورد)، قطعاً همه آن فهرست‌ها را دیده ولی از آن میان، کتاب *الفهرست* ابن قولویه و طریق او را برگزیده است.

دقت و بازبینی وضعیت رجالی ۵۲ راوی و محدث صاحب کتاب که به واسطه ابن قولویه در *الرجال* نجاشی نقل شدند، نشان داد هیچ‌یک از آنها به کذب متهم نیستند. گرچه افرادی چون محمد بن اورمه [۲۱، ص ۳۲۹] یا نصر بن صباح بلخی [۲۱، ص ۴۲۸]، به سبب غلو در اعتقاد، نکوهش شدند، یا برخی نیز مانند محمد بن احمد بن یحیی اشعری [۲۱، ص ۳۴۸] یا کشی [۲۱، ص ۳۷۲]، با آنکه فی نفسه ثقه قلمداد شدند، به سبب روایت زیاد از ضعفاء جرح گشتند. از این رو می‌توان گفت: احتمالاً کتاب *الفهرست* ابن قولویه مختصر و گزیده بوده است؛ زیرا ابن قولویه کوشیده، بیشتر کتاب‌های راویان ثقه و مورد اعتماد را که نقی‌الحدیث هستند، انتخاب کند و قصد نداشته همه راویان صاحب

کتاب کهن یا جدید و معاصرش را معرفی کند. شاهد دیگر این ادعا، قصد وی در کامل الزیارات است. ابن قولویه در آنجا تصریح کرده این کتاب را از روایات اصحاب ثقة خود انتخاب کرده و هیچ حدیثی که رجال شاذ نقل کنند، نیاورده است [ص ۳۷، ۵].

۳.۱.۳. چهل راوی و طرق انحصاری ابن قولویه به آن‌ها

وقتی اسامی راویان صاحب کتاب را در الرجال نجاشی با الفهرست طوسی مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم از پنجاه و دو طریقی که نجاشی به واسطه ابن قولویه به این افراد رسانده است، چهل راوی منحصرأً با سندهی ابن قولویه بوده و هیچ رجالی، فهرست‌نگار یا محدث دیگر آن‌ها را برای نجاشی نقل نکرده است.

اسامی این چهل تن را بر اساس الرجال نجاشی، انتخاب کردیم و بازتاب آن‌ها و طرق کتابشان را در الفهرست طوسی در جدول یک نشان دادیم. بر اساس جدول یک، راویانی که نجاشی منحصرأً از طریق ابن قولویه کتاب آن‌ها را نقل کرده، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

جدول ۱. راویان صاحب کتابی که ابن قولویه به نجاشی رسانده است:

ردیف	الرجال نجاشی	الفهرست طوسی	ردیف	الرجال نجاشی	الفهرست طوسی
۱.	احمد بن اسماعیل یحیی	بدون طریق به کتاب	۲۱.	ربیع بن سمیع	ندارد
۲.	حسن بن ابی عقیل	بدون طریق به کتاب	۲۲.	جعفر بن یحیی بن علاء رازی	ندارد
۳.	عبدالعزیز جلودی	بدون طریق به کتاب	۲۳.	حاتم بن اسماعیل	طریق ابن بطه
۴.	حسین بن شاذویه	بدون طریق به کتاب	۲۴.	محمد بن ولید خزاز	طریق ابن بطه
۵.	حسن بن علی حجال	بدون طریق به کتاب ^۱	۲۵.	محمد بن حکیم خثعمی	طریق ابن بطه
۶.	امیه بن علی	ندارد	۲۶.	محمد بن سلیمان دیلمی	طریق ابن بطه
۷.	بسطام بن مره	ندارد	۲۷.	محمد بن مرزم	طریق ابن بطه

۱. میان راویان شیعی، سه راوی ملقب به حجال (حجله فروش) داریم: اول؛ ابومحمد عبدالله بن محمد حجال کوفی، راوی موثق و متکلم طبقه امام رضا (ع) [۱۲، ص ۳۶۰؛ ۱۳، ص ۱۶۷؛ ۲۱، ص ۲۲۶]، دوم؛ ابومحمد حسن بن علی حجال قمی، شریک تجاری ابن ولید (۳۴۴ق) و استاد ابن قولویه [۲۱، ص ۴۹]، سوم؛ احمد بن سلیمان حجال، استاد برقی که نجاشی و طوسی هر دو با سند ابن بطه تا برقی پدر، کتاب احمد سلیمان را طریق می‌دهند [۱۲، ص ۴۱۷؛ ۱۳، ص ۸۵؛ ۲۱، ص ۱۰۰]. در این میان، نجاشی به هر سه حجال با مشخصات کامل و طریق به کتاب‌هایشان اشاره می‌کند؛ اما شیخ طوسی به استاد ابن قولویه، حسن بن علی حجال، تصریحی ندارد و فقط با کنیه مبهم ابومحمد حجال به فردی اشاره می‌کند [۱۲، ص ۱۸۷] که احتمالاً وی همان استاد ابن قولویه است؛ زیرا دو راوی اول و سوم را قبلاً معرفی کرده است. نکته اینجاست، طریقی که شیخ، برای ابومحمد حجال ارائه می‌دهد، همان طریق مشترک نجاشی و شیخ برای احمد بن سلیمان حجال است که از ابن بطه به پدر برقی می‌رسد و قطعاً متعلق به حجال قمی نیست؛ زیرا از نظر زمانی حداقل چهار نسل قبل تر قرار گرفته است. از این رو این طریق را افزوده طوسی یا فردی دیگر، ذیل ابومحمد حجال می‌دانیم و به عبارت ساده‌تر طوسی برای حجال قمی، استاد ابن قولویه، طریق ندارد.

۸.	جعفر بن احمد سمرقندی	ندارد	۲۸.	معلی بن محمد بصری	طریق ابن بطله
۹.	حسن بن خرزاد	ندارد	۲۹.	مروک بن عبید	طریق ابن بطله
۱۰.	حسین بن اشکیب	ندارد	۳۰.	زید الزراد	طریق صدوق از پدرش
۱۱.	حمزه بن یعلی	ندارد	۳۱.	سعد بن عبدالله اشعری	طریق صدوق از پدرش
۱۲.	سلیمان بن خالد اقطع	ندارد	۳۲.	سالم بن ابی سلمه	طریق صدوق از پدرش
۱۳.	عاصم الکوزی	ندارد	۳۳.	علی بن مهزیار	طریق صدوق از پدرش
۱۴.	علی بن محمد قولویه (برادر)	ندارد	۳۴.	عباس بن عامر	طریق صدوق از پدرش
۱۵.	عبدالله بن عامر بن عمران - اشعری	ندارد	۳۵.	محمد بن اورمه	ابن ابی جید رازی
۱۶.	صابر مولی بسام	ندارد	۳۶.	کشی	طریق تلعبری
۱۷.	محمد بن عبدالؤمن المؤدب	ندارد	۳۷.	حسین بن ابی غندر	طریق مجهول ^۱
۱۸.	محمد بن حسن میثمی	ندارد	۳۸.	محمد بن احمد صابونی	طریق مجهول ^۲
۱۹.	محمد بن علی بن ابراهیم - همدانی	ندارد	۳۹.	احمد بن اصفهید	طریق ابن قولویه
۲۰.	نصر بن صباح بلخی	ندارد ^۳	۴۰.	کلینی	طریق ابن قولویه

الف. راویان صاحب کتابی که نجاشی با طریق ابن قولویه آورده است؛ اما در الفهرست طوسی اصلاً ذکر نشده‌اند [به ترتیب راویان جدول نک: ۲۱، ص ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۱، ۴۴، ۴۴، ۱۴۱، ۱۸۳، ۳۰۱، ۲۶۲، ۲۱۸، ۲۰۳، ۳۷۸، ۳۶۳، ۳۴۴، ۴۲۸، ۱۲۶، ۸]. تعداد این افراد هفده نفر است و بیشترین تعداد راویان از مجموع چهل نفر را تشکیل می‌دهند. برای کشف علت ذکر نکردن شیخ طوسی، چندین گمانه‌زنی را می‌توان مطرح کرد که درباره آن‌ها در بخش مربوط به شیخ طوسی و ابن قولویه سخن خواهیم گفت.

ب. راویان صاحب کتابی که شیخ طوسی آن‌ها را صاحب کتاب دانسته [نک: ۱۳، ص ۷۷، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۱۰، ۱۸۷؛ ۲۱، ص ۹۷، ۴۸، ۲۴۱، ۶۵، ۴۹] و ذکر کرده اما طریقی برای کتاب این افراد نشان نداده است یا احتمال دارد طریق شیخ، بعدها از کتاب

۱. محدث نوری این طریق را به سبب برخی راویان حاضر در آن ناشناخته و مجهول ارزیابی کرده است [۲۰، ج ۶، ص ۱۰۶].
۲. محدث نوری این طریق را نیز به سبب دو راوی که هر دو ناشناخته هستند، مجهول ارزیابی کرده است [۲۰، ج ۶، ص ۳۸۶].
۳. طوسی در الرجال وی را همانند مشخصاتی که نجاشی داده [۲۱، ص ۴۲۸]، معرفی می‌کند [۱۲، ص ۴۴۹]؛ با این همه در الفهرست از وی و کتابش یاد نمی‌کند.

الفهرست افتاده و حذف شده باشد. تعداد این راویان پنج تن است که از قضا همگی از اساتید ابن قولویه هستند.

ج. راویانی که شیخ آن‌ها را ذکر کرده و طریق داده اما طریق وی متفاوت از نجاشی [۲۱، ص ۱۴۷، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۶۸، ۴۱۸، ۴۲۵، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۹۱، ۲۵۳، ۲۸۱، ۳۲۹، ۳۷۲، ۵۵] است. شیخ طوسی بیشتر این طرق را از مشایخ قمی انتخاب کرده است؛ ابن بطه [۱۳، ص ۱۲۱، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۰۶، ۲۳۵، ۲۴۷، ۲۵۰] و پس از آن، شیخ صدوق [۱۳، ص ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۸۹]، راوی اکثر کتاب‌های این افراد هستند؛ گرچه طرق مجهول و ضعیف [۱۳، ص ۱۱۴، ۲۸۱] هم در میان اسناد شیخ طوسی دیده می‌شود. در نتیجه باید گفت شیخ، طرق قمی دیگر و گاه طرق مجهول را بر طریق ابن قولویه ترجیح داده است.

د. طرق مشترک شیخ طوسی [۱۳، ص ۷۶، ۲۱۱] با نجاشی [۲۱، ص ۹۷، ۳۷۷]، در اسناد ابن قولویه، که تنها شامل دو راوی صاحب کتاب می‌شود. این تعداد بسیار اندک نشان می‌دهد، الفهرست ابن قولویه تأثیر کم‌رنگی بر الفهرست شیخ طوسی داشته است. دسته پنجمی هم می‌توان افزود که در چهار دسته قبلی پراکنده هستند و آن‌ها شامل راویان صاحب کتابی می‌شوند که ابن قولویه مستقیم خود به طرق آن‌ها سند داده و همگی از اساتید ابن قولویه هستند. ابن قولویه کتاب‌های ده راوی را مستقیم از اساتید خود شنیده است؛ یعنی کتاب‌ها متعلق به اساتید بدون واسطه وی هستند. ذیل نام این افراد در جدول، خط کشیده شده است.

در شمار این ده استاد، کلینی (۳۲۹ق) برجسته‌ترین محدث است که نجاشی غالب کتاب‌ها؛ و شیخ طوسی همه کتاب‌های کلینی را با واسطه شیخ مفید، غضائری و ابن نوح تنها از ابن قولویه دریافت کردند [۱۳، ص ۲۱۱؛ ۲۱، ص ۳۷۷]. شیخ طوسی در کتاب‌های حدیثی خود نیز مطابق این طریق عمل کرده و احادیث کلینی را به کمک اسناد ابن قولویه نقل می‌کند [برای نمونه نک: ۱۵، ج ۱، ص ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۵...].

پس از کلینی، عبدالعزیز بن عیسی جلودی (۳۳۲ق) استاد مشهورتر و مستقیم ابن قولویه است. بنابر شمارش ما، جلودی، دوپست و دو کتاب داشته که به ابن قولویه اجازه نقل آن‌ها را داده است و نجاشی نیز همه را یک به یک نام می‌برد [۲۱، ص ۲۴۰-۲۴۴]. با این همه جای شگفتی است که شیخ طوسی در عین حال که جلودی را در زمره راویان صاحب کتاب، فهرست کرده است، اما هیچ طریقی به کتاب‌های وی ارائه نمی‌دهد [۱۳، ص ۳۰].

کتاب‌های سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ق)، بزرگ محدثان قم و اتصال دهنده اسناد کتاب‌های حدیثی سده دوم و سوم به عالمان سده چهارم و پس از آن، به لطف منقولات ابن قولویه از پدر و برادرش، به صورت انحصاری و کامل در دسترس نجاشی قرار داده شده است [۲۱، ص ۱۷۸]. برخلاف نجاشی، شیخ طوسی برای کتاب‌های سعد، دو طریق قمی دیگر انتخاب کرده است؛ یکی از طریق «شیخ صدوق از پدرش از ابن ولید به سعد بن عبدالله» می‌رسد و دیگری از طریق «ابن ابی‌جید» به سعد متصل می‌شود [۱۳، ص ۱۳۵]. صابونی، ابن ابی‌عقیل و کشی دیگر اساتید نام‌آور ابن قولویه هستند که نجاشی تنها از طریق وی، کتاب‌های آن‌ها را دریافت کرده و سند داده است [۲۱، ص ۳۷۵، ۴۸، ۳۷۲]، در حالی که شیخ طوسی برای هر سه نفر، از ذکر و استفاده طرق ابن قولویه خودداری کرده است.

۲.۳. شیخ طوسی و ابن قولویه

شیخ طوسی برخلاف نجاشی، چندان از کتاب‌شناسی و اسناد ابن قولویه در علم رجال بهره نمی‌برد و تنها در پنج طریق برای راویان صاحب کتاب، و آن هم با اسم کامل، یعنی «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی»، از او یاد می‌کند [۱۳، ص ۷۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۲۱۱، ۲۱۹]. این، در حالی است که نجاشی با نام مختصر جعفر بن محمد، ضمن اسناد، به ابن قولویه اشاره می‌کند. احتمالاً یادکرد ابن قولویه با نام کامل و در تعداد معدود نشان می‌دهد، شیخ طوسی بنا نداشته از ابن قولویه به دفعات و مکرر استفاده کند، تا اسم مختصری برای وی در نظر گیرد و در استفاده انگشت‌شمار هم، نام کامل وی را ذکر کرده است، تا با جعفر بن محمد دیگری مشتبه نشود. از سوی دیگر، چه بسا ذکر اسم کامل ابن قولویه در پنج طریق الفهرست، نشان از نام‌انوس بودن وی با کتاب‌ها و اسناد ابن قولویه باشد. شیخ طوسی در کتاب *الرجال* نیز پنج شاگرد ابن قولویه و سال وفات او یعنی سال ۳۶۸ق را ذکر می‌کند [۱۲، ص ۴۱۸].

همان‌طور که در جدول مشخص است، از میان فهرست چهل نفره نجاشی برای راویان انحصاری ابن قولویه، شیخ طوسی تنها در دو راوی با نجاشی مشترک است. نام پنج راوی، که از قضا همگی از اساتید ابن قولویه هستند، در *الفهرست طوسی* آمده اما طوسی به کتاب‌های آن‌ها طریق نداده یا طریقی که ذکر کرده، اکنون افتاده است. هفده راوی نیز اصلاً نامی از آن‌ها در *الفهرست طوسی* وجود ندارد. شیخ طوسی برای شانزده

راوی صاحب کتاب که نجاشی منحصراً از طرق ابن قولویه برای اسناد به آن‌ها استفاده کرده است، طریقی غیر از ابن قولویه را انتخاب می‌کند که همگی (به جز دو طریق که مجهول است) قمی هستند. او بیش از همه، از طریق ابن بطله استفاده کرده است.

۳. ۲. ۱. طرق ابن بطله

ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطله مؤدب از محدثان بزرگ‌منزلت قم است که «کثیر الادب و الفضل و العلم» وصف شده است [۲۱، ص ۳۷۲]. نکته قابل توجه درباره وی آن است که در نقل حدیث «متساهل» بوده و سندها را به سبب اجازاتی که داشته «معلق»^۱ می‌کرده است. بر اثر این خطاها، کتاب «الفهرست» را دارای غلط بسیار ارزیابی کردند. چنانچه ابن‌ولید در برخوردی سختگیرانه، شخص او را ضعیف و مخلط در اسنادی که می‌دهد، معرفی می‌کند [۲۱، ص ۳۷۳]. به هر روی، سندهای الرجال نجاشی و الفهرست طوسی نشان می‌دهد ابن بطله، به سبب اتصال اسناد محدثان کهن قم در سده سوم به محدثان سده چهارم و نیز انتقال به محدثان بغداد، اهمیت دارد و گاه منحصر به فرد است. به گفته ابوالفضل شیبانی، وی در محله نوبختیه بغداد منزل داشت و همان‌جا به ایشان اجازه روایت داد [۲۱، ص ۳۷۳].

براساس سرشماری تخمینی که ما انجام دادیم، نجاشی بالغ بر صد کتاب را با سندهای ابن بطله طریق می‌دهد. به صورت کلی، طرق نجاشی، «از مفید از حسن بن حمزه طبری از ابن بطله از برقی» [۲۱، ص ۲۹، ۳۷، ۴۰۵...] یا «از مفید از حسن بن حمزه طبری از ابن بطله از صفار از احمد بن محمد عیسی اشعری» [۲۱، ص ۴۶، ۴۷، ۴۱۴...]، به صاحب کتاب می‌رسد؛ گرچه طریق اول (ابن بطله از برقی) رایج‌تر است.

جای شگفتی است که طوسی در هیچ‌یک از کتاب‌های رجالی‌اش از شرح حال ابن بطله یاد نمی‌کند؛ اما بیشترین تأثیر را از فهرست و کتاب رجالی ابن بطله، در کتاب الفهرست خود پذیرفته است. شیخ بیش از ۳۵۰ کتاب (حدود ۴۰ درصد همه طرق کتاب الفهرست شیخ طوسی) را به طریق «ابوالفضل شیبانی از ابن بطله از احمد برقی» و گاه به طریق «ابوالفضل شیبانی از ابن بطله از احمد بن محمد بن عیسی یا دیگران» به صاحب کتاب رسانده است. سخنان شیخ نشان می‌دهد که کتاب فهرست ابن بطله را در اختیار داشته؛ زیرا در مواردی پس از نام بردن اسامی کتاب‌های یک راوی، مثلاً برقی یا

۱. افتادگی ابتدای سند از سمت نویسنده کتاب را «معلق» می‌خوانند [۱۱، ص ۱۰۱].

حمیری که استاد ابن‌بطه بودند، با نام بردن از فهرست ابن‌بطه، کتاب‌های دیگری را می‌افزاید [نک: ۱۳، ص ۶۴، ۱۶۸، ۲۱۸]. شیخ طوسی گاهی از آراء رجالی ابن‌بطه استفاده می‌کند که نشان می‌دهد، ابن‌بطه بر شناسایی راویان کهن نیز قادر بوده است [۱۳، ص ۱۸۳، ۲۱۹]. به هر روی شیخ طوسی طرق ابن‌بطه را با وجود ضعف در سندهی و تخلیط، بر طرق ابن‌قولویه ترجیح داده است.

۲.۲.۳. حذف ابن‌قولویه

با وجود اینکه رجال‌شناسان، طرق ابن‌بطه را به سبب حضور ابوالفضل و شخص ابن‌بطه ضعیف تلقی کردند [۱۲، ص ۲۸۸ به بعد]، پرسش مهمی مطرح می‌شود که چرا شیخ طوسی این طریق را برگزیده و به صورت خاص، به جای طرق ابن‌قولویه جایگزین کرده و به کار برده است؟ این پرسش و ابهام در پس آن، وقتی جدی‌تر می‌شود که دریابیم شیخ طوسی پنج استاد و راوی منحصر به فرد ابن‌قولویه را که نجاشی به آن‌ها فقط از طریق ابن‌قولویه، دسترسی داشته، آورده و شرح حال و اسامی کتاب‌های آن‌را نیز ذکر کرده؛ اما از آوردن طریق ابن‌قولویه به این افراد خودداری کرده است. چند احتمال و فرضیه درباره این اتفاق می‌توان مطرح کرد.

نخست آنکه شیخ طوسی به عمد، از طرق و کتاب‌های ابن‌قولویه و اسنادی که نام وی در آن‌ها بوده، پرهیز کرده است. احتمال دوم را می‌توان چنین گمانه‌زنی کرد که او نسخه *الفهرست* ابن‌قولویه یا مسموعات شیخ مفید از ابن‌قولویه را در اختیار نداشته است؛ زیرا شیخ مفید آن‌ها را در جوانی شنیده و پس از تغییر برخی دیدگاه‌ها و آرائش، این مکتوبات را کنار نهاده و منتقل نکرده است؛ از سوی دیگر نجاشی که ده سال جوان‌تر از شیخ طوسی بوده، احتمالاً این نسخه‌ها را بنا بر نقل استادش، شیخ مفید، زودتر از شیخ طوسی، داشته یا دریافت کرده است. در دیدگاه سوم می‌توان نقش فرد سومی را دخیل دانست که پس از عصر شیخ طوسی، برخی اسامی و طرق کتاب *الفهرست* را پاکسازی کرده باشد.

شاید توجه به اختلاف فقهای سده چهارم و پنجم درباره برخی مسائل فقهی مانند دیدگاه «عددیة» و دیدگاه «رؤیت» درباره تعداد روزهای ماه رمضان، بتواند راهگشا باشد. به نظر می‌رسد شیخ مفید که در اوان جوانی در محضر ابن‌قولویه درس خوانده، بنا بر پیروی از استادش، نظریه اعداد را برگزیده است. او پس از درگذشت استاد، در میان‌سالی،

تغییر دیدگاه داده و نظریهٔ رؤیت را انتخاب کرده و به شدت از آن دفاع کرده است [برای تفصیل بیشتر نک: ۳، ج ۱، ص ۳۳-۳۵]. بیش از شیخ مفید، شاگردان وی، شریف مرتضی و شیخ طوسی، کوشیدند فقه امامیه را بر اساس روایات نقصان ماه رمضان و انتخاب ملاک رؤیت هلال ماه پایه‌ریزی کنند. احتمال دارد همسو با این مبنای فقهی جدید، به معتقدان و نوشته‌های مربوط به نظریهٔ عدد (دیدگاه فقهی پیشین) کم توجهی شده باشد؛ تا جایی که از این عالمان و کتاب‌هایشان نشانی نماند. قرینهٔ این رخداد را می‌توان در از بین رفتن کتاب‌های مربوط به العدد و مسئله العدد (دربارهٔ نظریهٔ عدد ماه رمضان)، دانست که حتی کتاب اول شیخ مفید در تأیید نظر استادش ابن قولویه (نظریهٔ عدد) از بین رفته؛ در حالی که کتاب دوم در تأیید نظریهٔ رؤیت باقی مانده و اکنون نیز چاپ شده است. ارتباط بین وانهادن کتاب‌های فقهی ابن قولویه و کم‌توجهی به کتاب‌های رجالی وی، شاید به نظر دشوار برسد؛ اما احتمالی است که نمی‌توان آن‌را رها کرد. بنابراین احتمال دارد ترک سندها و نسخه‌های دیدگاه اول (نظریهٔ عددیه)، به صورت عدم استنساخ و رونویسی کتاب‌های این‌موضوع و نیز عدم نقل و انتشار آن‌ها و حتی بی‌توجهی به این آثار، می‌توانسته راه‌حلی برای تثبیت دیدگاه رؤیت بوده باشد.

مؤید این نظر، مقایسهٔ لیست اسامی کتاب‌های ابن قولویه در *الرجال نجاشی* و *الفهرست شیخ طوسی* است [۱۳، ص ۹۲؛ ۱۸، ص ۱۲۴]. در لیست *الفهرست شیخ طوسی*، هیچ نشانی از سه کتاب ابن قولویه که مربوط به دیدگاه عددیه است، دیده نمی‌شود. مشابه آن، ابوالفضل صابونی استاد ابن قولویه است که بنابر شمارش ما بیش از ۷۰ کتاب برای وی یاد شده [۲۱، ص ۳۷۵] و کتاب *العدد* داشته، اما در *الفهرست شیخ طوسی*، فقط با دو کتاب، بدون مدح و وثاقت، بدون طریق ابن قولویه و نیز با حذف ذکر کتاب *العدد*، وی معرفی می‌شود [۱۳، ص ۲۸۱].

۴. سفرهای ابن قولویه

پس از آغاز سدهٔ چهارم، گروهی از محدثان قمی سفر و گاه رحل اقامت در شهرهای دیگر را آغاز کردند. کلینی (۳۲۹ق) از این دسته است که از قم و ری به بغداد آمد و در آنجا درگذشت. شیخ صدوق (۳۸۱ق) نیز از قم و ری درآمد و در شهرهای خراسان و نیشابور حدیث شنید و چندین بار به عراق و بغداد سفر کرد. ابن قولویه را نیز باید از رحالان و کوچ‌کنندگان حدیثی نام برد که برخی مسموعات و سندهای او نشان می‌دهد،

تا مصر و آفریقا نیز در پی حدیث رفته و آن‌ها را به بغداد بازآورده است. از توجه دقیق به اسناد طرق الرجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی می‌توان ره‌آورد سفرهای ابن‌قولویه و میزان انتقال دفاتر حدیثی هر شهر و حوزه حدیثی را دریافت.

۱.۴. جغرافیای انتقال حدیث

اگر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی را ملاک مطالعه قرار دهیم، مجموع پنجاه و دو راوی و محدث صاحب کتابی که ابن‌قولویه واسطه انتقال آن‌ها بوده‌است، به چهار حوزه حدیثی و زیرمجموعه‌های آن قابل تقسیم است. اشاره شد که شیخ طوسی در شرح حال تنها پنج راوی، از طرق یا نام ابن‌قولویه استفاده کرده است که همه این پنج طریق، به جز کتاب حریر بن عبدالله سجستانی [۱۳، ص ۱۱۸]، در طرق الرجال نجاشی ذکر شده‌اند [۱۳، ص ۷۶، ۱۲۰، ۲۱۱، ۲۱۹؛ ۲۱، ص ۹۷، ۳۷۷، ۳۲۷]. جزئیات جغرافیای این پنجاه و دو راوی را می‌توان در جدول دو مطالعه کرد.

«قم» با چهارده محدث، بیشترین آمار را میان راویان صاحب کتابی که ابن‌قولویه کتاب آن‌ها را نقل کرده، داراست. بیشتر این محدثان قمی، متعلق به سده سوم به بعد و چهار تن از خاندان اشعری هستند که بیشتر محدثان سده دوم، سوم و چهارم قم از آن برخاستند. پس از قم، کوفه قرار دارد. سیزده راوی که بیشتر از راویان کهن شیعی و از یاران صادقین (ع) بودند، در زمره آنان دیده می‌شوند. این راویان معمولاً به واسطه اساتید قمی یا برخی مشایخ مصری، در فهرست منقولات ابن‌قولویه ذکر شدند. به نظر می‌رسد هم‌جواری قم و ری، سبب شده کتاب‌های برخی محدثان رازی، به خصوص محدث مشهور شیعه، ابو جعفر کلینی، در اختیار ابن‌قولویه قرار گیرد. سفر ابن‌قولویه به خراسان و ماوراءالنهر، مصادر و دفاتر حدیثی این شهرهای ایرانی را نیز به دست ابن‌قولویه رسانده و وی راوی آن‌ها برای شیخ مفید و غضائری بوده است. همچنین دسترسی ابن‌قولویه به کتاب‌های علی بن مهزیار، با واسطه نوادگان او صورت گرفته [۲۱، ص ۲۵۳] که احتمال دارد در سفری به قم از آن‌ها حدیث شنیده باشد یا برعکس، ابن‌قولویه به اهواز و خوزستان گذر کرده باشد. همین دو احتمال درباره اساتید همدانی [۲۱، ص ۳۴۴] و اصفهانی [۲۱، ص ۱۷] وی مطرح است. با این همه اسناد ابن‌قولویه نشان می‌دهد او قطعاً به مصر [۲۱، ص ۲۹۸] و بغداد رفته و از اساتید آنجا حدیث شنیده است.

جدول ۲. تقسیم‌بندی جغرافیایی راویان و اساتید ابن قولویه:

قم	کوفه	ماوراءالنهر و دیگر شهرهای ایران	دیگر نواحی
محمد بن عبدالمؤمن	ابوحمزہ ثمالی (۱۵۰ ق)	خراسان: کشی	مصر: محمد بن احمد صابونی
محمد بن احمد بن - یحیی اشعری	عاصم الکوزی ^۱	حریر بن عبدالله سجستانی	مدینه: حاتم بن اسماعیل (۱۸۶ ق)
عبدالله بن عامر اشعری	زید الزراد	سالم بن ابی سلمه سجستانی	بغداد: ابن ابی عمیر (۲۱۷ ق)
حمزه بن یعلی اشعری	محمد بن حکیم	حسین بن اشکیب ^۲ مروزی	عیسی بن مستفاد بجلی
سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱ ق)	ظریف بن ناصح	جعفر بن احمد بن ابوب سمرقندی	بصره: عبدالعزیز جلودی (۳۳۲ ق)
حسن بن خرزاد ^۳	حسین بن ابی غندر	نصر بن صباح بلخی	معلی بن محمد
علی بن محمد بن قولویه (برادر)	عباس بن عامر تقفی ^۴	ری: کلینی (۳۲۹ ق)	مدائن: محمد بن مرزم سابطی
محمد بن اورمه	محمد بن ولید خزاز	جعفر بن یحیی بن علاء	عمان: ^۵ حسن بن ابی عقیل
حسن بن علی حجاج	احمد بن ابی نصر بن نطی (۲۲۱ ق)	سهل بن زیاد آدمی	نامعلوم: ربیع بن سمیع
حسین بن شاذویه	عبدالله بن محمد طیلالی ^۶	علان کلینی	صابر مولی بسام
احمد بن اسماعیل بجلی	محمد بن حسن بن زیاد میثمی	اهواز: علی بن مهزیار	بسطام بن مره
احمد بن اصفهید	سلیمان بن خالد قطع	همدان: محمد بن علی بن ابراهیم	
مروک بن عبید	محمد بن سلیمان دیلمی ^۷	اصفهان: ابراهیم بن محمد تقفی (۲۸۳)	
امیه بن علی ^۸			

- نجاشی در شرح حال برادرزاده اش، سماعه بن سلیمان کوزی، سماعه را کوفی می‌خواند [۲۱، ص ۱۸۴]، به سبب این قرینه، عاصم را نیز کوفی قلمداد کردیم.
- نجاشی به نقل از کشی یک بار او را خراسانی و اهل مرو و ساکن سمرقند و کشی می‌خواند و بار دیگر به نقل از همو، حسین بن اشکیب را قمی و خادم القبر (احتمالاً متولی مرقد حضرت معصومه (س)) می‌داند [۲۱، ص ۴۴].
- طوسی یک بار وی را قمی و بار دیگر از اهالی کاش معرفتی می‌کند [نک: ۱۲، ص ۴۱۴ و ۴۶۴].
- به شهر و وطن وی تصریح نشده بود؛ اما به سبب نقل زیاد عباس بن عامر از راویان کوفی، وی را در زمره کوفیان به تخمین ذکر کردیم.
- عمان منطقه‌ای ساحلی در جنوب غربی شبه جزیره و همان کشور عمان امروزی است که ابن ابی-عقیل بدان منسوب شده و احتمالاً در آنجا ساکن بوده است. عمان نیز شهری در شام قدیم و اردن امروزی است [نک: ۹، ج ۹، ص ۳۶۴-۳۶۶].
- گرچه نجاشی درباره شهر و وطن عبدالله بن محمد طیلالی اطلاعاتی نمی‌دهد [۲۱، ص ۲۱۹]، اما طوسی در الرجال، وی را کوفی می‌خواند [۱۲، ص ۴۰۰].
- نجاشی در شرح حال پدرش، سلیمان بن عبدالله دیلمی می‌آورد که وی اصالتاً اهل کوفه است و به سبب سفرهای تجاری زیاد به ایران، به خصوص خرید و فروش اسیران دیلمی و حمل آن‌ها به کوفه و دیگر شهرها به دیلمی منسوب شده است [۲۱، ص ۱۸۲].
- نجاشی او را با لقب «شامی» یاد می‌کند [۱۸، ص ۱۰۵] و ابن غضائری وی را از زمره «قمیون» می‌خواند [۴، ص ۳۸].

۲.۴. تأثیر ابن‌قولویه در حوزه‌های حدیث شیعه

مهمترین حوزه‌های حدیث شیعه در روزگار ابن‌قولویه، قم و ری در ایران و کوفه و بغداد در عراق بوده که ابن‌قولویه در همه آن‌ها حاضر بوده است. از این‌رو جا به جا کردن حدیث این مراکز به واسطه ابن‌قولویه، امری مسجل و روشن است. اگر به تفکیک تاریخی و شکل‌گیری و اهمیت این مکاتب حدیثی بخواهیم، آن‌ها را برشماریم، ابتدا از کوفه و سپس از قم و ری و سرانجام بغداد باید یاد کنیم.

۲.۴.۱. سده دوم: کوفه

اگر خط سیر و تطور سفرهای حدیثی مکتوبات شیعه را از سده دوم تا سده چهارم و پنجم پی بگیریم، به نظر می‌رسد اولین دفاتر و کتاب‌های حدیثی شیعه در کوفه شکل گرفته است. آغاز تدوین نوشته‌ها و کتاب‌های حدیثی نخستین، بر اساس سال‌شمار زندگی راویان کوفی قابل ردیابی است. پس از خلافت و حکومت امام علی (ع) در شهر کوفه و شهادت ایشان در این شهر، کوفه پایگاه تشیع شد و به مرور عالمان و علاقمندان به شیعه را به خود جذب کرد. رجال‌شناسان در شمار اصحاب امام علی تا صدقین (ع)، افراد زیادی را نام می‌برند که از شهرهای مدینه، بصره، یمن، مدائن، خراسان و بلخ به کوفه کوچ کردند و ساکن آن شدند [۱۲، ص ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۹، ۱۵۶، ۲۵۴، ۲۷۶؛ ۱۳، ص ۳۸؛ ۲۱، ص ۳۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۳۰۵]. معمولاً رجال‌شناسان برای این افراد تعبیر «سکن الکوفه» یا «نزل الکوفه» را ذکر کردند. با این همه مکتب کوفه نتوانست همیشه پررونق بماند و به جهات مختلف، از جمله اختلافات فکری و فرقه‌ای، رو به افول نهاد و مکتب حدیثی شیعه به مراکز دیگر انتقال یافت [نک: ۹، ص ۱۱۹؛ ۷، ص ۱۱۵].

۲.۴.۲. سده سوم: قم و خراسان ری

قم و ری را معمولاً به صورت مشترک با عنوان حوزه و مکتب حدیثی قم می‌شناسند. ری از ابتدای تاریخ اسلام و قرن اول، شهر مهم ایرانی برای خلفای اموی و عباسی بود. پس از قیام‌های زیدیه و اسماعیلیه و سرازیر شدن سادات حسنی و حسینی به ایران، ری همواره محله درگیری‌های سیاسی-مذهبی، میان فرقه‌های مختلف شیعه بود [نک: ۲۳، ص ۱۵۹ به بعد]. اما شهر قم، به ویژه در اواخر قرن سوم، به صورت یکپارچه پایگاه شیعه امامیه بود [۲۳، ۱۶۴]. ابراهیم بن هاشم نخستین کوفی است که حدیث

شیعه را به قم برده است [۱۳، ص ۳۶؛ ۲۱، ص ۱۶]. البته نباید نیاکان و خاندان برقی را از قلم انداخت که در اصل کوفی بودند و در نیمه اول سده دوم به نواحی اطراف قم گریختند [۱۳، ص ۶۲؛ ۲۱، ص ۷۶].

پس از سده دوم، بسیاری از عالمان قم، مانند خاندان اشعری قمی به برداشت و یادداشت حدیث از محدثان کوفه علاقمند شدند و برای سفرهای سالیانه یا چند سال یک بار، به کوفه کشانده شدند. برای نمونه ماجرای یکی از سفرهای احمد بن محمد بن عیسی در منابع رجالی نقل شده: «قال خرجت إلى الكوفة في طلب الحديث...» [۲۱، ص ۳۹]، که نشان می‌دهد این سفرها با هدف کسب حدیث بوده است و از انگیزه زیارتی یا تجاری یاد نمی‌شود. در نمونه دیگر، حمیری از بزرگان قم، نیز تصریح کرده پس از سال ۲۹۰ ق. وارد کوفه شده است [۲۱، ص ۲۱۹]. سده سوم، عصر طلایی و شکوفایی حدیث شیعه با مرکزیت قم است که عالمان و محدثان بی‌شماری مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری، خاندان برقی، صفار قمی، سعد بن عبدالله اشعری و علی بن ابراهیم بن هاشم قمی به ظهور رسیدند و بر نظم و نسق دادن دفاتر حدیثی کوفه به شکل مجامع و کتب حدیثی (مانند شکل‌گیری پدیده نوادرنویسی و نگارش کتاب‌ها بر اساس ابواب فقهی) و نیز جرح و تعدیل راویان اسناد، با عنایت به اعتقادات راویان (جلوگیری از افکار غالیانه) تأکید داشتند.

۴.۲.۱. ماوراءالنهر

در کنار مکتب حدیثی قم، به پایگاه‌های حدیثی کوچکتری مانند شهرهای خراسان و ماوراءالنهر به ویژه سمرقند باید اشاره کرد. طبق یک کتاب جغرافیایی متعلق به سده چهارم (۳۷۲ق)، خراسان در آن روزگار به سرزمینی وسیع اطلاق می‌شده است که از مشرق به هندوستان، از جنوب به کوه‌های کرکس، از غرب به گرگان و حدود غور و از شمال به رود جیحون منتهی می‌شد. از این متن برمی‌آید که خراسان و ماوراءالنهر در سده چهارم یک منطقه تلقی می‌شدند و به هم پیوسته بودند: «پادشای خراسان اندر قدیم جدا بودی و پادشای ماوراءالنهر جدا و اکنون هر دو یکی‌ست و میر خراسان به بخارا نشینند» [۲۲، ص ۸۸ و ۸۹].

طوسی بیش از پنجاه راوی از ناحیه ماوراءالنهر معرفی می‌کند که بیشتر شاگردان،

غلمان و راویان عیاشی و اهل شهرهایی مانند سمرقند، کش،^۱ مرو، بخارا، بلخ، فاریاب^۲ و چاچ^۳ بودند [نک: ۱۲، ص ۴۰۸، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۵۰...]. این حوزه حدیثی- رجالی شیعی در سده سوم و چهارم در اوج قرار داشته است؛ چنان که راویان و محدثانی را از دیگر شهرهای ایران همانند قم، ری، قزوین، طبرستان و کرمان به خود جذب کرده است [نک: ۱۲، ص ۴۱۷، ۴۵۲؛ ۲۱، ص ۲۶۷]. به نظر می‌رسد دو عامل اصلی رونق سمرقند؛ «حضور عیاشی» و «سفرهای حدیثی میان قم و سمرقند» است.

الف. عیاشی در سمرقند

حضور ابونضر محمد بن مسعود عیاشی (۳۲۰ق) اصلی‌ترین عامل رونق حدیث در سمرقند بوده است. وی به تنهایی عامل رشد دهنده و تربیت‌کننده محدثان شیعی زیادی در این شهر و نواحی اطراف آن است. نجاشی در وصف خانه او که سیصد هزار دینار سرمایه پدری را در آن خرج کرده، می‌آورد: «خانه‌اش سبزه‌زاری برای شیعه و اهل علم بود»؛ زیرا قاری و نسخه‌بردار و مقابله‌کننده نسخه‌ها، همزمان در آنجا حضور داشتند [۶، ص ۲۴۴؛ ۱۰، ص ۴۴۰؛ ۱۳، ص ۲۱۱؛ ۲۱، ص ۳۵۰، ۳۷۲]. در وصف عیاشی گفته شده که حدیث را از کوفه، قم و بغداد فراگرفته [۱۸، ص ۳۵۱] و همان‌طور که انتظار می‌رود این کتاب‌ها و اسناد را به سمرقند برده و منتشر کرده است.

ب. سفرهای محدثان میان قم و سمرقند

پس از حضور عیاشی در سمرقند، رحلات حدیثی عالمان این دیار به قم و یا برعکس از قم به سمرقند، سبب گسترش منابع و دفاتر حدیثی شیعه در ماوراءالنهر و خراسان شد. رجال‌شناسان، کشی و چند راوی سمرقندی دیگر را نام برده‌اند که از پدر ابن‌قولویه حدیث اخذ کرده‌اند [۱۲، ص ۴۲۱]. طبق شمارش ما، کشی «شصت و دو» روایت در جرح و تعدیل راویان را به نقل محمد بن قولویه (پدر) از سعد بن عبدالله اشعری در الرجال خود ذکر کرده که رقم قابل توجهی است [برای نمونه نک: ۱۹، ج ۱، ص ۲۸، ۲۹،

۱. شهری باستانی نزدیک سمرقند [۹، ج ۵، ص ۷۸]، که امروزه به آن شهر سبز می‌گویند و در ازبکستان قرار دارد.

۲. شهری از نواحی بلخ [۹، ج ۴، ص ۳۷۶]، که امروزه در افغانستان قرار دارد.

۳. شهری ورای رودخانه سیحون که از حدود ترکستان محسوب می‌شده [۹، ج ۳، ص ۳۷۵]، و امروزه نزدیک تاشکند در ازبکستان است.

۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۴۷...؛ ج ۲، ص ۴۸۳، ۴۸۹، ۵۴۰، ۵۹۰-۵۹۴...]. کشی ابتدای برخی سندها، طرق تحمل خود از محمد بن قولویه را با عبارت «حدثنی» مشخص می‌کند که نشان می‌دهد وی به صورت مستقیم و شنیداری (سماع) از وی این احادیث را گرفته است؛ بنابراین باید گفت: کشی در برهه‌ای از زمان مقیم قم بوده است. افزون بر آن، کشی از دیگر اساتید قمی نیز روایت دارد [برای نمونه نک: ۱۹، ج ۱، ص ۲۸؛ ج ۲، ص ۷۹۲]، که به معنای اقامت نه چندان کوتاه کشی در قم است. عبارات کشی در *الرجال* حاکی است که وی مسموعات خود از اساتید قمی را نزد عیاشی برده و او نیز برخی از آن‌ها را جرح و تعدیل کرده است [۱۹، ج ۲، ص ۸۱۲].

به جز کشی، ما راویان زیادی در منابع رجالی می‌یابیم که ساکن قم بودند و از اهالی خراسان و ماوراءالنهر معرفی شده‌اند؛ برای نمونه حسین بن اشکیب که ابن قولویه کتابش را روایت کرده، «قمی» (از خادمان مزار و مضجع حضرت معصومه (س))، «مروزی» و «مقیم کش و سمرقند» معرفی شده است [۱۲، ص ۳۸۶؛ ۲۱، ص ۴۴]. نمونه‌های دیگری نیز از اساتید خراسانی، سمرقندی، بخاری و حتی قمی یافت می‌شود که مدتی در شهر قم و مدتی در خراسان و ماوراءالنهر ساکن بودند [نک: ۱۲، ص ۳۸۶، ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۹]. این سفرهای حدیثی قطعاً باعث رفت و آمد اسناد و مجموعه‌های حدیثی شیعه از قم به خراسان و ماوراءالنهر شده است [برای مطالعه بیشتر درباره سفر حدیث‌پژوهان به ماوراءالنهر نک: ۱۶، ص ۲۲۵ به بعد].

۴.۲.۳. سده چهارم: بغداد

پس از شکل‌گیری مکتب اشاعره در اوایل قرن چهارم، منازعات کلامی با معتزلیان که بیش از همه در بغداد، پایگاه داشتند، رونق گرفت و دانشمندان شهرهای دیگر جهان اسلام، به حضور و تدریس در پایتخت افسانه‌ای جهان اسلام علاقمند شدند. سعد بن عبدالله، خاندان ابن قولویه، ابن ولید و خاندان ابن بابویه در سده چهارم راه محدثان پیشین قمی را پی گرفتند و روش آن‌ها را تثبیت کردند؛ با این تفاوت که کم‌کم سفرهای حدیثی قمی‌ها به بغداد و عراق و مدتی اقامت و تدریس در آنجا آغاز شد. نمونه برجسته آن، کلینی (۳۲۹ق) است که بنابر تحلیل برخی پژوهشگران معاصر، تدوین *الکافی* واکنشی از جانب گفتمان حدیث‌گرای نخبگان قم در برابر گفتمان عقل‌گرای بغداد بود [۲۳، ص ۲۷۱]. کلینی از قم و ری به بغداد آمد و کتاب *الکافی* را

عرضه و املا کرد؛ املاى وی در باب الكوفه بغداد، درب السلسله، به سال ۳۲۷ ق. ثبت شده است [نک: ۱۴، ج ۴، ص ۳۱۰]. ابن بابویه، پدر شیخ صدوق (۳۲۹ق)، شیخ صدوق (۳۸۱ق) و ابن شهریار قمی (۳۴۰ق) نیز از ری و قم به بغداد و عراق سفر کردند، حدیث شنیدند و حدیث محدثان قمی را نقل کردند [۲۱، ص ۲۶۲، ۳۸۹، ۱۲۳؛ برای سفر دیگر محدثان ایرانی سده چهارم، به بغداد نک: ۲۱، ص ۶۴، ۲۶۷، ۳۸۴]. حدیث شیعه، پس از سفر به قم، از خراسان و ماوراءالنهر و گاه مستقیم از قم، به بغداد و عراق بازگردانده شده است. برای نمونه، نجاشی از ابوالحسن علی بن محمد قزوینی یاد می‌کند که سال ۳۵۶ق وارد بغداد شده و اولین بار قطعه‌ای از کتاب‌های عیاشی را به بغداد آورده است [۲۱، ص ۲۶۷؛ و نیز نک: ۶، ص ۲۴۴].

به جز کوچ محدثان قمی به بغداد، شماری از محدثان کوفی نیز نام برده شده‌اند که پس از سده چهارم به بغداد روی می‌آورند. مشهورترین آن‌ها ابن عقده (۳۳۲ق) است که سه بار به بغداد سفر کرده است [نک: ۸، ج ۵، ص ۲۲۲؛ ۱۳، ص ۷۳؛ و نیز برای نمونه‌های دیگر از سفر محدثان سده چهارم از کوفه و غیر آن به بغداد نک: ۱۳، ص ۶۸؛ ۲۱، ص ۸۴، ۹۳، ۱۹۲، ۲۳۳، ۳۸۳]. به طور کلی، رابطه مشایخ حدیثی بغداد و کوفه، تیره و همراه با رقابت و اتهام به یکدیگر بوده است [برای اطلاعات بیشتر نک: ۱۷، ص ۳۴۳].

۵. برآیند

در مجموع، پنجاه و دو راوی صاحب کتاب توسط ابن قولویه به منابع فهرست‌نگاری شیعه معرفی شدند که از این میان، سه راوی بین نجاشی و طوسی مشترک است و یک راوی از میان پنجاه و دو راوی را تنها شیخ طوسی در *الفهرست* به واسطه ابن قولویه طریق داده و نجاشی ذکر نکرده است. چهل و هشت راوی دیگر، منحصراً در *الرجال* نجاشی به طریق ابن قولویه منتقل شده است. از میان آن‌ها نیز چهل نفر را تنها، طریق ابن قولویه به *الرجال* نجاشی شناسانده است و نجاشی طریق دیگری برای آن‌ها ندارد. یادداشت‌های نجاشی نشان می‌دهد که او *الفهرست* ابن قولویه را در اختیار داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت: تأثیر ابن قولویه در انتقال میراث حدیث شیعه، بیش از همه در *الرجال* نجاشی بازتاب دارد. ابن قولویه به سبب حضور در سمرقند و استفاده از کشی، از مهمترین شاگردان کشی است که در بغداد حاضر بوده است. از این رو راوی *الرجال* کشی در *الرجال* نجاشی است؛ همان‌طور که می‌بینیم، چندین نقل از کشی در *الرجال* نجاشی به واسطه او وجود دارد. مقایسه چهل راوی که انحصاراً ابن قولویه در *الرجال* نجاشی معرفی

کرده، با الفهرست طوسی، نشان می‌دهد، شیخ طوسی در موارد زیادی یا اسامی و طرق به کتاب‌های این چهل راوی را ندارد یا اگر اسم راوی را آورده، طریقی برای کتاب‌های آنان ذکر نکرده است. برخی از این افراد مانند ابن‌ابی‌عقیل یا عبدالعزیز جلودی از اساتید مشهور ابن قولویه هستند. از سوی دیگر طرق جانشین شیخ طوسی برای طرق ابن قولویه، از اساتید قمی دیگر که اغلب ضعیف یا مجهول هستند، مانند طرق ابن بطنه، تشکیل شده است. بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که چرا از طرق و فهرست ابن قولویه در الفهرست طوسی، استقبال نشده است؟ احتمالی که به سبب چند قرینه می‌توان آن را قوی دانست، اختلاف برخی آراء فقهی ابن قولویه و شیخ طوسی است که سبب کم‌رنگ شدن تأثیر نوشته‌های ابن قولویه در بغداد سال‌های ۴۵۰ق. است و حتی کوشش در نادیده گرفتن و وانهادن طرق انحصاری او در الفهرست طوسی دیده می‌شود.

از سوی دیگر، مطالعه پنجاه و دو راوی الرجال نجاشی، بر اساس شهر و زادگاه هر راوی نشان داد، ابن قولویه آثار محدثان و راویان قم را بیش از دیگر مناطق به بغداد آورده است. پس از آن، بیشترین دفاتر حدیثی منتقل شده توسط ابن قولویه از آن کوفه و راویان کوفی کهن است که در زمره اصحاب امام صادق (ع) و به بعد، هستند. به احتمال بسیار زیاد، ابن قولویه این دفاتر حدیثی کوفیان را به واسطه اساتید قمی یا سمرقندی مانند عیاشی دریافت کرده است. همچنین، دیگر شهرهای ایران مانند ری، سمرقند، بلخ، مرو و اهواز محدثانی به نام داشته که کتب آنان توسط ابن قولویه به بغداد وارد شده‌است و حضور مؤثر وی در بسیاری از این حوزه‌های حدیثی را تثبیت می‌کند.

منابع

- [۱]. ابن‌شاذان، محمد بن احمد قمی (۱۴۰۷). مئه منقبه. محقق: محمد باقر موحد ابطحی، قم، مدرسه الإمام المهدی (ع) بالحوزه العلمیه.
- [۲]. ابن شهر آشوب، ابوعبدالله محمد بن علی (؟). معالم العلماء. چاپ دوم، نجف، مطبعه الحیدریه.
- [۳]. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴). اقبال الاعمال. محقق: جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۴]. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴). الرجال. محقق: محمدرضا حسینی، قم، دار الحدیث.
- [۵]. ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۴۱۷). کامل الزیارات. محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- [۶]. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). الفهرست. محقق: رضا تجدد، تهران، (؟).
- [۷]. جمعی از پژوهشگران زیر نظر محمدتقی سبحانی (۱۳۹۶). جستارهایی در مدرسه کلامی کوفه. قم، دارالحدیث.
- [۸]. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۹۹۷). تاریخ بغداد. محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۹]. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸). الانساب. محقق: عبدالله عمر بارودی، بیروت، دارالجنان.

- [۱۰]. شفیعی، سعید (۱۳۸۹ش). مکتب حدیثی شیعه در کوفه (تا پایان قرن سوم هجری). قم، دارالحدیث.
- [۱۱]. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸). *الرعايه فی علم الدرايه*. محقق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۱۲]. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۵). *الرجال*. محقق: جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- [۱۳]. _____ (۱۴۲۲). *الفهرست*. محقق: جواد قیومی، چاپ دوم، قم، نشر الفقاهه.
- [۱۴]. _____ (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*. محقق: سید حسن خراسان، مصحح: محمد آخوندی، چاپ چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۵]. _____ (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. محقق: حسن خراسان، مصحح: محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۶]. غلامعلی، مهدی (۱۳۹۲ش). *تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ*. قم، دارالحدیث.
- [۱۷]. فرجامی، اعظم (۱۳۹۴). *زیدیه و حدیث امامیه*. قم، دارالحدیث.
- [۱۸]. کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی (۱۳۶۹). *کنزالفوائد*. قم، مکتبه المصطفوی.
- [۱۹]. کشی، محمد بن عمرو بن عبدالعزیز (۱۴۰۴). *الرجال*. محقق: مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۲۰]. محدث نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۵). *خاتمه المستدرک*. قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۲۱]. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴). *الرجال*. محقق: موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- [۲۲]. نویسنده مجهول ز ۳۷۲ق (۱۳۶۲). *حدود العالم من المشرق الی المغرب*. محقق: منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری.
- [۲۳]. نیومن، اندور جی (۱۳۸۶ش). *دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی؛ گفت‌وگو میان حدیثی میان قم و بغداد*. ترجمه و نقد: مؤسسه شیعه شناسی، قم، شیعه شناسی.